

حجت مهکویی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۵

چکیده

اختلافات مذهبی به‌عنوان یک عامل چالش‌زا در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس نمایان است. اختلافات سیاسی میان برخی کشورها در این منطقه باعث شده است تا اختلافات مذهبی نیز مزید بر علت شود و روابط میان کشورهای این منطقه را تحت‌الشعاع قرار دهد. از ۸ کشور در منطقه خلیج فارس که همگی مسلمان هستند و دین اسلام به‌عنوان دین رسمی آنها می‌باشد و می‌توان گفت در همه ۸ کشور، پیروان مذهب شیعه حضور دارند. در سال‌های اخیر، به دلیل خودآگاهی دینی و مذهبی، محرومیت از ساختار اجتماعی و سازمانی در کشورهای بحرین، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عراق (تا قبل از سرنگونی رژیم بعث)، پیروان مذهب شیعه، به‌دنبال حقوق خود برآمده‌اند؛ لذا این امر سبب گردیده است تا از سوی دولت‌های عربستان سعودی و بحرین، اعمال خشونت‌های فیزیکی علیه پیروان تشیع شکل بگیرد و با آنها برخورد شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی به‌دنبال تبیین چالش‌های شکل گرفته برای پیروان مذهب شیعه در کشور بحرین می‌باشد. سوال اصلی در این مقاله این است که وضعیت شیعیان در کشور بحرین چگونه است؟ نتایج نشان می‌دهد که چالش‌هایی برای شیعیان در کشور بحرین وجود دارد و باعث برهم خوردن روابط میان پیروان مذهب شیعه و حاکمان این کشور شده است.

واژگان کلیدی: مذهب شیعه، کشور بحرین، هویت‌خواهی، اقلیت‌گرایی مذهبی، چالش.

مقدمه

به‌طور کلی هویت ملی به شدت متأثر از حوادث و وقایع است؛ اما در تحلیل نهایی، این رهبران و تصمیم‌گیرندگان هستند که باید آن را عرضه کنند و اینان هستند که معین می‌کنند چه ابعادی و چه واقعیت‌های حیات محوری در قواره هدایت بیابند و به همین روی هویت ملی را باید یک برساخته متصور شد. روایت معنایی، تاریخ و فرهنگ را در تمام مقاطع تاریخی درونی ساخته و آن را مبنای حیات‌بخشی قرار می‌دهد و به نقش کشور در صحنه خارجی مسیری را می‌دهد که باید درباره دیگر بازیگران طی شود. پس این رهبران و تصمیم‌گیرندگان هستند که از این امکان برخوردارند که به بازتعریف بپردازند که این بازتعریف می‌تواند آغازی باشد بر این که کشورهای حاشیه خلیج فارس به درکی متناوب از حیات بیرونی و ماهیت روابط با کشورهای همسایه و مجاور و روابط داخلی دست یابند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۵۳-۲۵۲).

امروزه نقش اختلافات مذهبی و ارزش‌های دینی را بیشتر از همه جای دنیا می‌توان در محدوده جغرافیایی خاورمیانه و حوضه خلیج فارس مشاهده کرد. البته سابقه‌ای تاریخی برای آنچه اکنون در خاورمیانه در حال رخ دادن است وجود دارد. در قرن ۱۰ میلادی در پی ضعف قدرت خلافت عباسیان، خاندان‌های شیعه آل‌بویه و فاطمیون به قدرت رسیدند؛ با این حال، این خاندان‌های شیعه نتوانستند قدرت خود را در محیطی که سنی‌ها بر آن مسلط بودند به‌ویژه بعد از قدرت‌گیری دوباره خلافت سنی از ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی حفظ کنند؛ اما در قرن ۱۶ میلادی شیعیان دوباره در قالب امپراتوری صفویه که حکومت اسلامی از نوع شیعی را توسعه داد، رستاخیز کردند. این سیکل از تغییر قدرت تقریباً هر پانصد سال یک بار رخ می‌دهد (<http://www.tabnak.ir>). قابل ذکر است در منطقه خلیج فارس، شیعه از منظر ژئوپلیتیک، قدرتمند است. هرچند اختلافات مذهبی در کشورهای این منطقه مربوط به دو گروه شیعه و سنی است. در واقع شاخه مذهبی ۸ کشور این منطقه، مربوط به این دو گروه مذهبی است.

در سال‌های اخیر، اختلافاتی میان پیروان مذهب شیعه با ساختار حکومت برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه بحرین و عربستان سعودی و در عراق که بعد از سرنگونی صدام حسین، شیعیان توانستند با توجه به اینکه ۵۵ درصد جمعیت این کشور را به خودشان اختصاص می‌دهند، قدرت سیاسی را در اختیار بگیرند، ایجاد شده و باعث شکل‌گیری تظاهرات و جنبش‌های مردمی

در این کشورها شده است. از سال ۲۰۱۱ در کشور بحرین، شیعیان به دلیل اینکه سال‌ها از سوی حکومت مرکزی در تبعیض بوده‌اند، با توجه به اینکه ۷۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، خواهان سهم بیشتر و عادلانه‌تری از نظام اجتماعی و اداری در بحرین شده‌اند. این مسایل باعث شده تا هویت‌خواهی جدیدی برای پیروان شیعه در این کشور شکل بگیرد. این مسئله از آنجا می‌تواند ناشی شود که شکل‌گیری هویت ملی آنها متأثر از تازه تاسیس بودن آنها می‌باشد. در واقع پا گرفتن کشورهای کوچک در جنوب خلیج فارس از طرح‌های بریتانیا بوده است؛ در حالی که بسیاری از این کشورهای نوپا، در آن زمان هنوز شناخت درستی از هویت ملی نداشتند و فرهنگ سیاسی سنتی داشتند. به سخن دیگر، وفاداری‌های قومی و فرقه‌ای برای آنها بسی مهمتر از وفاداری ناملموس ملی بود و چه بسا هنوز هم هست (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۹).

در برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، جنبش بیداری اسلامی که ماهیت آن مبارزه با استبداد و حاکمان مادام‌العمر و خواهان تعیین سرنوشت از طریق افزایش مشارکت سیاسی مردم بود، تهدیدی آشکار علیه حاکمان، ساختار سیاسی و نحوه اداره امور کشور در این کشورها شده است. بر همین اساس، از ابتدای شروع این جریان در شمال آفریقا، سران شورای همکاری خلیج فارس به شدت با آن مخالف بودند. این مسئله زمانی برای شورای همکاری بغرنج‌تر شد که خیلی زود جنبش بیداری اسلامی وارد قلمرو این شورا در عربستان سعودی (استانهای قطیف و احساء) و به صورت گسترده در بحرین شد. خاندان آل خلیفه در بحرین که با اعتراض گسترده مردمی مواجه شده بودند و کنترل اداره امور کشور برایشان دشوار بود، در راستای توافقنامه شورای همکاری خلیج فارس از عربستان سعودی و سایر کشورهای شورا تقاضای کمک کردند. سران شورای همکاری نیز که جنبشهای مردمسالارانه و تحول‌خواه و به‌ویژه در بحرین را در تضاد آشکار با مبانی و اصول کشورداری خود می‌دانستند و همچنین ماهیت شیعی جنبش بحرین که در صورت پیروزی و تشکیل دولت، همگنی حکومت‌های سنی شورای همکاری را بر هم می‌زد و حتی تهدیدی بزرگ برای کل ماهیت شورای همکاری بود، به‌شدت واکنش نشان دادند و درصدد سرکوب قیام مردمی بحرین برآمدند. بر این اساس، دولت عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مداخله نظامی در بحرین برای سرکوب قیام مردمی برآمدند و کویت نیز نیروی دریایی خود را به سواحل بحرین اعزام کرد (ویسی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). از دلایل توجه سیاست خارجی دولت‌های منطقه به خصوص عربستان سعودی در بعد هویت در کشورهای همسایه

و مجاور را بر مبنای دیدگاه سازه‌انگاران به‌ویژه ونت^۱ (۱۹۹۲) می‌توان اینگونه تبیین کرد که هویت، مهمترین مولفه در تعیین رفتار بازیگران از جمله دولت‌ها در نظام بین‌المللی می‌باشد؛ به‌نظر ونت، هویت، خصوصیت یا ویژگی است که دولت‌ها به‌عنوان کنش‌گران نیت‌مند، آن را دارا می‌باشند و ایجاد کننده تمایل‌های انگیزشی و رفتار آنها می‌شود. در حال حاضر سیاست خارجی عربستان سعودی در مقابل خیلی از بازیگران منطقه‌ای به خصوص ایران از هویتی متمایز، متأثر می‌باشد که این کشور برای خودش انتخاب کرده است. نظام مبتنی بر افکار و اندیشه‌های آیین وهابی‌گری، چیزی هست که هویت دولت عربستان سعودی را از بقیه کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به خصوص کشورهای شیعه مذهب، متفاوت می‌کند. این کشور با توسل و اتکا به هویت قومی-عربی، ابتدا خود را از کشورهایی مانند ایران، ترکیه و اسرائیل که غیرعرب هستند جدا کرد و سپس با تقویت دین به‌عنوان منبع هویت بخش، برای خودش در میان اعراب هویتی متمایز را به وجود آورد (هدایتی‌شهیدانی و صفری، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۲)؛ بنابراین مسئله اصلی در این مقاله این است که چرا شیعیان در کشور بحرین، اعتراضات و تظاهراتی را به راه انداخته‌اند؟ وضعیت معیشتی و اجتماعی آنها در بحرین چگونه است؟ این مقاله از نظر روش، کیفی است؛ بنابراین در این پژوهش با ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و با دیدگاه هرمنوتیک و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی به بررسی وضعیت مذهب شیعه در کشور بحرین پرداخته شده است. سوال اصلی در مقاله حاضر این است که وضعیت شیعیان در بحرین چگونه است؟ نتایج نشان می‌دهد که چالش‌هایی برای شیعیان در بحرین وجود دارد و باعث برهم خوردن روابط میان مردم شیعه مذهب با حکومت مرکزی و عدم همگرایی میان مذاهب دوگانه، یعنی پیروان شیعه با حاکمان و مسئولان اهل تسنن شده است. لاجرم وضعیت شیعیان در کشور بحرین از دیدگاه اقلیت‌گرایی مذهبی و هویت‌خواهی در بعد مذهبی قابل تحلیل است.

یک. مفاهیم نظری

۱-۱. اقلیت‌گرایی مذهبی

اقلیت^۲ بودن یک گروه هم به معنای کم تعدادتر بودنش است و هم به‌طور کامل بخشی از کل

1. Wendt.
2. Minority.

جمعیت به حساب نمی‌آید. کمیون حقوق بشر سازمان ملل اقلیت را اینگونه تعریف می‌کند: گروهی که در یک کشور تعداد آنها از بقیه جمعیت ساکن در آن کمتر باشد و با وجه تمایز نسبت به دیگران در یک موقعیت غیرغالب قرار دارند و برای حفظ فرهنگ خود، دارای نوعی حس انسجام و همبستگی می‌باشند (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۵۷). واژه اقلیت از اصطلاحات مبهم در حقوق بین‌الملل می‌باشد. از ابهامات در تعریف این واژه، متقاطع بودن ویژگی‌های گروه‌های اقلیت است؛ به این مفهوم که امکان دارد در برخی کشورها، گروهی از افراد به علت داشتن مذهب مجزا از اکثریت افراد جامعه، اقلیتی مذهبی به حساب آیند ولی از نظر مشخصات قومی به گروه اکثریت تعلق داشته باشند؛ بنابراین در کشورهای با مذاهب دوگانه و یا بیشتر، این وضعیت می‌تواند شکل بگیرد. به‌عنوان مثال می‌توان وضعیت فعلی کشور سوریه را بیان کرد. در این کشور، حاکمان آن وضعیت چند وجهی دارند. مذهب حاکمان سوریه علوی است؛ درحالی‌که اکثریت جامعه دارای مذهب تسنن هستند. از آنجا که حاکمان (حزب بعث) بر عامل قومیت تاکید می‌کنند (ضلع دیگر هویت) جزو گروه اکثریت به حساب می‌آیند. از سوی دیگر جمعیت کرد تبار این کشور که از نظر مذهبی تسنن هستند به لحاظ قومی، اقلیت می‌باشند که با تغییر جایگاه هیات حاکمه و جایگزین شدن هیات حاکمه با مذهب تسنن، وضعیت فعلی اقلیت و اکثریت جابجا می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۴: ۶۹-۷۲). آنچه که در بحرین نیز مشاهده می‌شود. با این اوصاف، اقلیت‌گرایی مذهبی را می‌توان اینچنین تعریف نمود: «حرکت‌هایی سیاسی که از درون حوزه دین و مذهب، متفاوت با ایدئولوژی مرجع در جامعه‌ای معین، با هدف نقد ساختار قدرت موجود و به منظور افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به مناصب قدرت یا اصلاح الگوی ملی اعمال قدرت، پدیدار می‌شوند.» مفاهیم محوری در این تعریف را می‌توان اینگونه بیان کرد:

۱. اقلیت‌گرایی مذهبی یک حرکت سیاسی به معنای عام است؛ همان‌طور که با قدرت نسبتی دارد و به صورت سلبی یا ایجابی با آن مرتبط می‌گردد. به‌علاوه این ارتباط فقط در حوزه سیاسی تعریف نشده است و می‌تواند مصداق‌های فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و... نیز داشته باشد.

۲. کانون هویت‌بخشی آن را مذهب تشکیل می‌دهد و از این نظر از سایر گونه‌های اقلیت زبانی و نژادی متمایز می‌باشد.

۳. مبنای شناخت اقلیت و اکثریت، میزان دسترسی آنها به قدرت است؛ لذا به تعداد توجه

خاصی ندارد. بر این اساس، اقلیت نگرش مذهبی مقابل مذهب مرجع در یک واحد سیاسی به حساب می‌آید.

۴. سطح و میزان ارتباط این پدیده با ملاحظات سیاسی نیز در نظر گرفته شده و در فراز پایانی تعریف، تغییر الگوی ملی اعمال قدرت یا افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به قدرت به‌عنوان دو هدف اساسی اینگونه حرکت‌های سیاسی مشخص شده است. بر این اساس، تمام فعالیت‌های اجتماعی که در چارچوب اصول مصوب ملی و به‌عنوان اقدامات صنفی مشخص می‌شوند، از این تعریف خارج‌اند و مصداق اقلیت‌گرایی دینی به‌شمار نمی‌آیند. در عوض، اقداماتی که به نوعی تغییر الگوی ملی اعمال قدرت را هدف قرار داده‌اند از قبیل خودمختاری، تجزیه‌طلبی و... یا اینکه ساختار ملی را بر نمی‌تابند مانند تغییر نسبت‌های معین قانونی برای گروه‌های مذهبی مختلف در دسترسی به پست‌های ملی در درون حکومت یا مجلس و... شکل دهنده اقلیت‌گرایی مذهبی هستند (جهانی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۰).

۱-۲. هویت خواهی

هویت^۱ از تشبیه یا همسان شدن فرد با مسئله‌ای که خارج از آن است ناشی می‌شود. این مسئله خارج از محیط فیزیکی یا مادی، چشم‌اندازها، ارزش‌های یک سرزمین یا یک گروه است. این مسئله مستلزم پذیرش آنهایی است که مایل‌اند فرد یا گروه را درهم آمیخته ببینند. این موضوعی است که مطالعه هویت را مسئله‌ای ظریف و پیچیده می‌کند؛ زیرا یک واقعیت مطلق نیست و متناسب با شرایط تفاوت می‌کند. ما در زندگی آن را تجربه می‌کنیم، مثلاً ممکن است من خود را نسبت به کسی که در ۳۰ کیلومتری خانه‌ام ساکن است اجنبی بدانم؛ ولی هنگامی که یکدیگر را در ژاپن و یا ایالات متحده می‌بینیم همدیگر را هم‌وطن می‌دانیم. لاجرم، سطوحی از هویت وجود دارد که باید آن را چیزی شبیه عروسک‌های تودرتو دانست؛ بنابراین هویت یک مفهوم طبیعی نیست بلکه پدیده‌ای اجتماعی است که در تعامل اعضای گروه با همدیگر و با بیگانگان همواره در روند تکامل و تغییر قرار دارد. (عزیزی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۶).

هویت یکی از مقولاتی است که در زمان و مکان مشخصی نمایان می‌شود و بر اثر درهم‌آمیختگی عوامل طبیعی و انسانی در یک مکان خاص شکل می‌گیرد. به‌طور کلی هویت به دو دسته هویت

1. Identity.

شخصی و هویت اجتماعی تقسیم می‌شود. هویت شخصی بر شرح حال و ویژگی‌های استوار است و به این سوال که من کیستم و به کجای جهان تعلق دارم؟ پاسخ می‌دهد و هویت اجتماعی بر اساس عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی تعیین می‌شود. از انواع هویت‌های اجتماعی می‌توان به هویت‌های فرهنگی، قومی، دینی، زبانی، نژادی، ملی و طبقاتی اشاره کرد (بدیعی‌ازندهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۶). در نظام‌های سیاسی که تکثرگرایی دینی و قومی دارند با مشکلات هویت‌های اجتماعی و فشارهای ملی‌گرایی روبرو هستند. هارم دی بلیج^۱ (۱۹۹۲) متذکر می‌شود که در جهان قرن بیست و یکم، مشکلات در دو موضوع خلاصه می‌شود: اول چارچوب‌های مرزی که ریشه در دهه ۱۸۰۰ میلادی دارند و دوم نظام‌های سیاسی که معدودی از آنها می‌توانند فشارهای نوظهور ملی‌گرایی و منطقه‌گرایی را تحمل کنند (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

حال معتقد است که آن هویت‌های قدیمی که به مدت طولانی جهان اجتماعی را دوام بخشیده بود، در معرض اضمحلال قرار گرفته‌اند؛ به طوری که اکنون بحث هویت‌های جدید و مجزا شدن انسان مدرن مطرح می‌باشد. این وضعیت که اصطلاحاً «بحران هویت» نامگذاری شده است، به ضرر بخشی از فرآیند گسترده‌تر تحولی دیده می‌شود که ساختارهای اصلی را جابجا کرده و ساختاری را که برای افراد، تکیه‌گاه محکمی در جهان اجتماعی فراهم می‌کرد تخریب نموده است. حال به سه نوع فهم یا ادراک از هویت اشاره می‌کند: سوژه روشنگری (انسان به مثابه یک فرد با هویت واحد با هسته درونی و ماندگار)؛ سوژه جامعه‌شناختی (شکل‌گیری هویت انسان در تعامل با دیگران مهم) و سوژه پست مدرن (فرآیند هویت‌یابی ناپایدار، دو رگه و مشکل‌زا و چند پاره). همچنین حال پیامدهای جهانی‌شدن برای هویت‌های فرهنگی را اینگونه مطرح می‌کند: ۱- هویت‌های ملی در نتیجه رشد همسانی فرهنگی و «پست مدرن جهانی» فرسوده می‌شوند؛ ۲- هویت‌های ملی و دیگر هویت‌های محلی یا خاص‌گرایانه، با مقاومت در برابر جهانی‌شدن، تقویت می‌شوند؛ ۳- هویت‌های ملی رو به اضمحلال می‌روند، در حالی که هویت‌های دورگه جدیدی جای آنها را می‌گیرند. به گفته حال، قومیت‌های متقابل (بعد ملی هویت) که بر بعد ملی تاکید دارند و بنیادگرایی‌های مذهبی (بعد مذهبی) هرچند که از بعضی جهات محلی می‌باشند؛ اما جهانی نیز هستند. در واقع به این دلیل که اینها جماعت‌هایی می‌باشند که توسط رسانه‌ها، خارج از کنترل نسبی دولت شکل می‌گیرند و

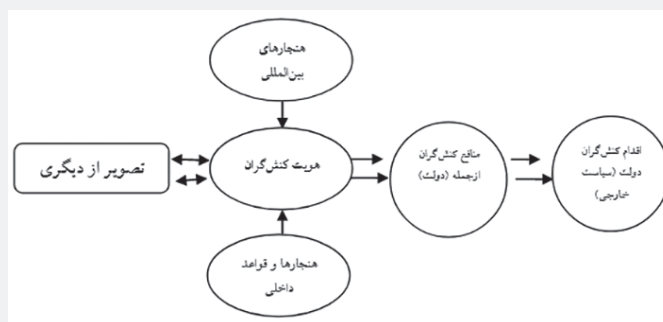
1. Harm De Blij.

دارای رویکردی جهانی هم می‌شوند. این مسئله می‌تواند به جهانی‌شدن مرتبط باشد؛ زیرا که شامل همسانی فرهنگی است. در واقع می‌توان اینگونه استدلال نمود که هویت مذهبی هم از جهاتی محلی و هم از جهاتی جهانی است. جهانی به این دلیل که دین را برای تمام جهان و بشریت می‌دانند و ادعای جهانی دارند و از سویی در مقابل هویت ارایه شده از رسانه قرار می‌گیرند و مقاومت می‌کنند که این همان نقش محلی آن است و نشان دهنده جنبه نسبی شده هویت‌های ملی و مذهبی می‌باشد که در رابطه با جهانی‌شدن و رسانه‌ها ایجاد شده است (امینی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۷).

از آثار جهانی‌شدن کوتاه و فشرده شدن گستره حاکمیت ملی می‌باشد. در کشورهای توسعه نیافته که مراحل هویت‌یابی ملی را پشت سر نگذرانده‌اند و ملیت‌گرایی در آنها نهادینه نشده است، روند جهانی‌شدن آثار نامطلوبی داشته است و خواهد داشت. این روند به افزایش آگاهی‌های فرو (محلی) و فراملی انجامیده و بدین‌گونه در برجسته شدن تمایزات قومی و مذهبی نقشی مهم داشته است. به سخن دیگر، جهانی‌شدن با فشرده کردن زمان و مکان، امکان ایجاد ارتباط و همراهی با هم‌فکران، هم‌مسلمانان و هم‌نژادها را فراهم می‌کند. در جهان امروزی وسایل ارتباط جمعی، نقش مهم و اساسی در شکل‌دهی به هویت در سطوح فراملی و فروملی بازی می‌کنند و این مسئله کشورهای نوپدید را که وفاداری‌های ملی در آنها نهادینه نشده و بنیان نگرفته، با چالش‌هایی سخت مواجه می‌سازد (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۱۰۰)؛ بنابراین هویت‌خواهی از ثمرات جهانی‌شدن است. در واقع، ماهیت خاص دوره جهانی‌شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد (Muzaffarli, 2008:16).

لاجرم مردم در بسیاری از سرزمین‌ها و کشورهای خاورمیانه از هویت ملی بی‌بهره و یا دور بوده‌اند و این هویت به نوعی به آنها داده شده است؛ به عبارت دیگر بسیاری از آنها جز عربیت، دریافت و برداشت دیگری از هویت نداشته‌اند (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۹). آنچه که در این سالها در کشورهای بحرین و عربستان سعودی اتفاق افتاده است به دلیل هویت‌خواهی ناشی از اختلافات سطح معیشتی و وضعیت اجتماعی آنها در این کشورها بوده است؛ همان‌طور که «احساس‌های هویتی متنوع‌اند؛ اما عموماً از چارچوب معیشتها و وضعیت‌های خاص برخاسته‌اند که ضمن اینکه

شخص یا فرد خود را وابسته به یکی از این مقوله‌ها می‌داند این وابستگی هیچ‌گونه تکلیف الزام‌آوری بر وی تحمیل نمی‌کند. در عین حال، وقتی که فردی خود را به سطوحی از هویتها بیشتر وابسته می‌داند، آن سطح هویتی نوعی تعهد فعال پیش روی او می‌گذارد. از آغاز قرن نوزدهم هویت‌های ملی از آنچه اشاره شد، شکل گرفته‌اند» (کلاوال، ۱۳۹۴: ۹۳). با توجه به این موضوع، در برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل اختلافات مذهبی و نابرابری اجتماعی، هویت‌خواهی‌هایی شکل گرفته است که این مسئله باعث شده روابط خوبی در بعد داخلی و خارجی برای جوامع این کشورها با یکدیگر در حال حاضر وجود نداشته باشد.



نمودار شماره ۱: نحوه تاثیرگذرای هویت بر منافع بازیگران از جمله دولت در عرصه بین‌المللی

منبع: (هدایتی شهیدانی و صفری، ۱۳۹۶: ۳۲)

۳-۱. نظریه همگرایی

انسان همواره نیازمند به ارتباط و وابستگی می‌باشد؛ بدون برقراری پیوند و ارتباط متقابل انسان نمی‌تواند نیازهای خود را برطرف سازد. ایجاد و برقراری رابطه لازمه رفع احتیاج خواهد بود، در همگرایی و پیوستن به یکدیگر است که می‌توان به سطح توسعه یافتگی و برطرف کردن نیازها و احتیاجات رسید. در این میان از زمانی که انسان توانست، آتش را کشف کند و یا خط را اختراع کند همواره درصدد ایجاد برقراری و ارتباط با هم‌نوع خود بوده است. در طی تاریخ بشر، وابستگی متقابل و همکاری، شعاری پرطرفدار بوده است. در نظریات بزرگانی چون «مارکوس اورلیوس»، «انیشیتین»، «فروید»، شاعرانی چون «هومر»، «فردوسی»، «تاگور»، «اقبال»، «رازرا پاوند»، سیاستمدارانی چون «هوشی‌مینه»، «ویلی برانت»، «جواهر لعل نهرو»، «اولاف پالمه» و... این نکته به نوعی بارز است (نونژاد، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

را سپری کرده است؛ با گذشت زمان و تکامل فکری انسان، این روند نیز بهتر و بیشتر شده است. همگرایی و واگرایی میان انسان‌ها همیشه وجود داشته است، به طوری که یکی بدون دیگری معنی و مفهوم پیدا نمی‌کند.

مفهوم همگرایی در بردارنده فرآیندی است که طی آن کشورها به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خود برای رسیدن به اهداف مشترک عدول می‌کنند و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌نمایند. عدم همگرایی در میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، نژادی و ملی می‌تواند موقعیت یک کشور را تا آستانه از هم پاشیدگی و از دست دادن استقلال برای آن واحد سیاسی به پیش ببرد؛ ممکن است به محو حکومت آن واحد سیاسی از صحنه جغرافیا بینجامد (قوام، ۱۳۹۵: ۲۴۸-۶۱)؛ مانند آنچه که در دوران پس از جنگ سرد و شکل‌گیری کشورهای تازه استقلال یافته شاهد هستیم. برای مطالعه همگرایی و خود سیاست با دو پرسش بنیادی مواجه می‌باشیم: اول اینکه چرا اتباع یا شهروندان برای واحد سیاسی که در آن زندگی می‌کنند، حرمت و تقدس قایلند یا (قایل نمی‌باشند)؟ دوم اینکه در درون نظام‌های سیاسی چگونه اجماع شکلی و ماهوی حاصل شده و تداوم می‌یابد؟ به طور کلی درباره همگرایی یا یکپارچگی سیاسی، دو نظریه را می‌توان مطرح نمود: نظریه اول، به خاطر وجود ارزش‌هایی مشترک و فراگیر در میان اعضای خود و به خاطر وجود توافقی عمومی درباره چارچوب نظام مربوطه است که نظام‌های سیاسی به انسجام و همبستگی دست یافته و آن را حفظ می‌کنند؛ این نظام‌ها بر مبنای اجماع شکلی (یا توافق عمومی درباره راه‌حل‌های مسایل موجود در نظام سیاسی) استوارند. نظریه دوم، چنین استدلال شده است که به خاطر کاربرد یا تهدید به کاربرد زور است که واحدهای سیاسی به انسجام دست یافته یا آن را حفظ می‌کنند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۹۹۲: ۶۶۶).

برای مطالعه همگرایی در روابط بین‌الملل سه سطح تحلیل را بایستی در نظر گرفت:

۱- همگرایی در سطح نظام فرآیندی است که به موجب آن دولت‌ها بخشی از قدرت تصمیم‌گیری سیاسی، اقتصادی و حقوقی را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند؛ این وضعیت ممکن است باعث بهبود کیفیت حکومت‌مداری داخلی و جهانی شود و ضمن بالا بردن کارایی تصمیم‌گیری، عملاً پایه رفتارهای جمعی را تقویت نماید. گاه برخی از محققان، سازمان ملل متحد را نمونه بارزی از همگرایی در سطح نظام تلقی می‌کنند، هرچند سازمان مزبور عمدتاً به دولت‌ها

پاسخگوست و ابزار آنها (به‌ویژه قدرت‌های بزرگ) به‌شمار می‌رود.

۲- سطح دوم، تحلیل سطح همگرایی منطقه‌ای است که طی آن تعدادی از دولت‌ها که در مجاورت یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده، یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند، اتحادیه اروپا به وجود می‌آوردند. تجربه اروپا از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی حاکی از آن است که تا چه اندازه رسیدن به اجماع کلی در میان اعضا دشوار بوده است. شاید بتوان گفت که آینده همگرایی در سطح منطقه‌ای به میزان قابل توجهی به درجه موفقیت اتحادیه اروپا بستگی خواهد داشت.

۳- سطح سوم، ارتباط مستقیم با ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها دارد که مسلماً بر خورداری واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه اقتصادی، فناوری، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، بر فرآیند همگرایی تاثیر به‌سزایی دارد (قوام، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۴).

تاثیر چالش مذهب بر همگرایی

در برابر نقش برانگیزاننده مذهب در تحولات سیاسی و اجتماعی، بسیاری از نظریه‌پردازان‌های مدرنیست‌های معاصر پیرامون گرایش جوامع به عرفی شدن به‌منظور کم‌رنگ شدن مولفه‌های مربوط به اختلافات قومی و مذهبی صورت گرفته است. یکی از این نظریه‌ها چنین ابراز می‌دارد که بسیاری از جنبش‌های سیاسی- اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های مذهبی پس از رسیدن به مقاصد خود در جوامع از بین خواهد رفت و جای خود را به عرفی‌گرایی خواهد داد. بسیاری از مدرنیست‌های غربی بر این باورند که کم‌رنگ شدن وابستگی‌ها و گرایش‌های قومی و مذهبی با پذیرش هنجارهای عرفی‌گرایانه رابطه مستقیم دارند. در این پیوند سر بر آوردن اسلام‌احیاگرانه در مناطقی چون خاورمیانه واکنشی به شکست‌های اندیشه‌های عرفی‌گرای ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی در تحقق خواسته‌های ملت‌های منطقه در سده معاصر تلقی شده است. در مجموع بسیاری از تئوری‌ها از جمله نظریات مدرنیست‌ها بر نقش مذهب به‌عنوان ریشه علی بسیاری از مناقشات قومی و حتی ملی صحنه گذاشته و به احیاگری اسلامی به‌عنوان قوی‌ترین شاهد معاصر استناد می‌کنند (<http://www.irna.ir/fa/News>).

دین و مذهب همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و باورهای مذهبی، تداوم اجتماع را از طریق معنابخشی به حیات

جمعی و قاعده‌مند سازی مناسبات گروهی تضمین کرده‌اند؛ اما تفاسیر مختلف از دین موجب شکل‌گیری نحله‌ها، فرقه‌ها و دسته‌های مختلف شده که پیامد آن شقاق اجتماعی و بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی است. البته باید بین مفهوم «اقلیت مذهبی» و «اقلیت‌گرایی مذهبی» تفکیک قایل شد. اقلیت‌های مذهبی پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر هستند که ضرورتاً حساسیت یا بار امنیتی ندارند؛ درحالی‌که اقلیت‌گرایی مذهبی مقوله‌ای سیاسی و از جنس تهدید است و در ارتباط مستقیم با قدرت و تصدی امر اعمال قدرت، عمل می‌کند. اقلیت‌گرایی مذهبی ناظر بر وضعیتی است که نخبگان اقلیت، خواهان به رسمیت شناختن مطالبات هویتی خود در بعد مذهب‌اند و با تشدید هویت مذهبی و تاکید بر آن به‌عنوان وجه تمایز با بدنه اصلی جمعیت کشور، ضمن جدا دانستن سرنوشت خود از اجتماع ملی، طیفی از مطالبات شامل سهم‌خواهی در مراکز اصلی قدرت سیاسی کشور تا جدایی‌طلبی و خودمختاری و حتی استقلال کامل را دنبال می‌کنند (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

در برابر فقر، بیکاری و دیگر مشکلات اقتصادی و همچنین تبعیض‌های فاحش اجتماعی و سیاسی پیش روی شیعیان در مقایسه با اقلیت سنی‌مذهب بحرین، پیش‌بینی لیام فاکس در خصوص نزدیک شدن وضعیت بحرین به نقطه انفجار چندان دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد. بسیاری از تحلیل‌گران مسایل منطقه‌ای معتقدند هرچند پی‌ریزی پایه‌های اختلافات مذهبی در خاورمیانه که به موزاییکی از گروه‌های قومی و مذهبی تشبیه می‌شود به سیاست‌های قدرت‌های استعماری به دوران پس از جنگ جهانی اول باز می‌گردد؛ اما تاکید بر منازعات مذهبی از سوی برخی دولت‌های منطقه با ادعای رهبری جهان اسلام با هدف تضعیف و متاثر ساختن رقبای منطقه‌ای، شکاف‌های مذهبی را به گسست‌های عمیق امنیتی-سیاسی-مذهبی مبدل ساخته است. حمایت برخی از دولت‌های منطقه به‌ویژه خاندان آل‌سعود از موضع حاکمان، منامه را می‌توان در چارچوب راهبرد سد نفوذ هرگونه اقدام و کنش‌گری شیعی در منطقه مورد تحلیل قرار داد. در چنین شرایطی با وجود آرامش نسبی در دیگر کانون‌های فعالیت شیعیان در منطقه همچون عراق و لبنان، منامه به‌عنوان برلین خاورمیانه می‌تواند وجوه افتراق و تنازعات مذهبی-سیاسی را به صورت عریان‌تری نمایان سازد. در وضعیتی که طوفان‌های بهار عربی هنوز از حرکت باز نایستاده، انگشت نهادن بر گسست‌های مذهبی-سیاسی در مناطقی چون بحرین از سوی برخی دولت‌ها در جهت اعمال نقطه

نظرات خاص آنان می‌تواند سرنوشتی چون عراق را برای بحرین رقم بزند (<http://www.irna.ir/fa/>) (News).

جدول ۱: درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی در جهان

| منطق | تعداد گروه‌ها | درصد مذهب به‌عنوان یک موضوع | تمایز مذهبی | تقاضای حقوق مذهبی | مذهب به‌عنوان گفتمان سیاسی |
|-------------------------|---------------|-----------------------------|-------------|-------------------|----------------------------|
| خاورمیانه و شمال آفریقا | ۱۴ | ۷۱ | ۶۴ | ۵۰ | ۸۷ |
| بلوک شوری سابق | ۳۱ | ۵۲ | ۲۷ | ۴ | ۴۶ |
| آمریکای لاتین | ۱۲ | ۸۱۲ | ۲۵ | ۲۵ | ۳۷ |
| دموکراسی‌های غربی | ۸ | - | ۲۵ | ۲۵ | ۳۷ |
| آفریقا | ۱۴ | ۲۸ | ۸ | ۸ | ۲۱ |

منبع: (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۶)

دو. یافته‌های تحقیق

۱-۲. گستره جغرافیایی شیعیان در جهان

جمعیت شیعیان جهان از ۳۲۰ میلیون تا ۴۰۰ میلیون نفر برآورد شده است و در حدود نیمی از جمعیت ساکن در محدوده مرکزی خاورمیانه شیعه هستند. شیعیان حدود ۲۰ درصد جمعیت مسلمان جهان را شکل داده‌اند. اکثریت شیعیان جهان (۶۸ تا ۸۰ درصد) تنها در چهار کشور ایران، پاکستان، هندوستان و عراق زندگی می‌کنند. براساس برآوردهای صورت گرفته تعداد شیعیان جهان از ۳۲۰ تا ۳۵۰ میلیون و حتی تا ۴۰۰ میلیون نفر تخمین زده شده است. پیکره اصلی جمعیت مسلمانان جهان یعنی بیش از ۶۲ درصد در قاره آسیا اسکان دارند. جمعیت اکثریت چندین کشور در خاورمیانه را شیعیان تشکیل داده‌اند؛ از جمله ایران، عراق، بحرین، آذربایجان و یمن. همچنین حدود ۲۰ درصد جمعیت سوریه و ترکیه شیعه هستند. علویان دومین گروه مذهبی بزرگ ترکیه را شکل داده‌اند (پس از اهل سنت) به طوری که گفته می‌شود ۲۵ درصد (۲۰ میلیون نفر) از کل جمعیت ترکیه علوی هستند. جامعه شیعیان اثنی‌عشری نیز ۵ درصد جمعیت مسلمان این کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در جنوب آسیا، هندوستان تنها کشور غیرمسلمان در جهان است که شیعیان ۴ تا ۵ درصد جمعیت کل آن را تشکیل می‌دهند به طوری که این کشور روز عاشورا را به‌عنوان تعطیلی مذهبی به رسمیت شناخته است. به‌علاوه در ایالت‌های بهار و اوتارپرادش روز میلاد حضرت علی^(ع) تعطیل است. شهر لکنو که مرکز ایالت «اوتار پرادش» است به‌عنوان مرکز جامعه شیعیان هندوستان شناخته شده است. روز میلاد حضرت علی^(ع) تنها در کشورهای هندوستان، آذربایجان و ایران به‌عنوان روز تعطیلی مذهبی به رسمیت شناخته شده است. یکی از مشکلاتی که در تخمین جمعیت شیعیان کشورهای مختلف وجود دارد این است که گرچه شیعیان اقلیت مهمی در یک کشور مسلمان محسوب می‌شوند؛ اما کل جمعیت مسلمان کشورها با نام اهل سنت ثبت می‌گردند. در واقع شیعیان ۲۱ تا ۳۵ درصد جمعیت مسلمان در جنوب آسیا را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال به دلیل اختلاط مدارس اسلامی و شعب آنها و نیز مسئله تقیه در میان برخی از شیعیان، برآورد تعداد کل شیعیان مشکل است. در حدود نیمی از جمعیت مرکزی خاورمیانه شیعه هستند. ملت‌هایی که اکثریت غالب آنها شیعیان هستند عبارتند از: ایران (۹۵ درصد)، آذربایجان (۸۰ درصد)، بحرین (۷۵ درصد)، عراق (۶۵ درصد)، لبنان (۴۵ درصد)، یمن (۴۵ درصد)، ترکیه (۲۵ درصد)، کویت (۳۵ درصد)، افغانستان (۲۰ درصد)، پاکستان (۲۵-۲۰ درصد)، عربستان سعودی (۱۵ درصد)، هندوستان (۲۵-۲۰ درصد مسلمانان)، امارات (۲۰ درصد) و سوریه (۲۰-۱۵ درصد) (<http://fa.shafaqna.com/news>).

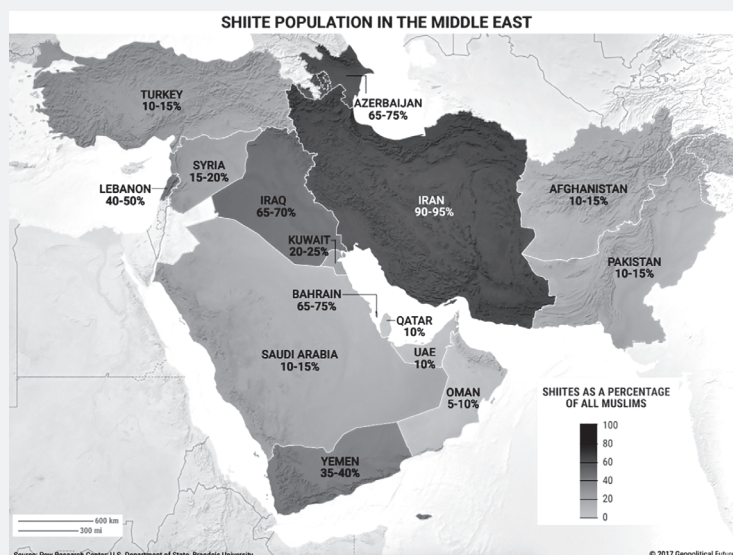
لاجرم وضعیت حال حاضر کشورهای مسلمان با توجه به سابقه تمدنی آنها مناسب نیست. به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، یافته‌های موسسه تحقیقات پیو از بررسی بیش از ۲۰۰ کشور جهان نشان می‌دهد که در حال حاضر ۱٫۶ میلیارد مسلمان در سراسر جهان زندگی می‌کنند که این تعداد ۲۳ درصد کل جمعیت ۶٫۸ میلیاردی جهان را طبق آمار سال ۲۰۰۹ تشکیل می‌دهد. جمعیت ۱٫۶ میلیاردی مسلمانان جهان را به‌طور تقریبی به فرقه‌های اصلی ذیل می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- مسلمانان سنی حنفی (۳۵ درصد)؛
- ۲- مسلمانان سنی شافعی (۲۵ درصد)؛
- ۳- مسلمانان شیعه (۲۰ درصد)؛
- ۴- مسلمانان سنی مالکی (۱۵ درصد)؛
- ۵- مسلمانان سنی حنبلی (۴ درصد)؛

۶- مسلمانان سلفی (یک درصد).

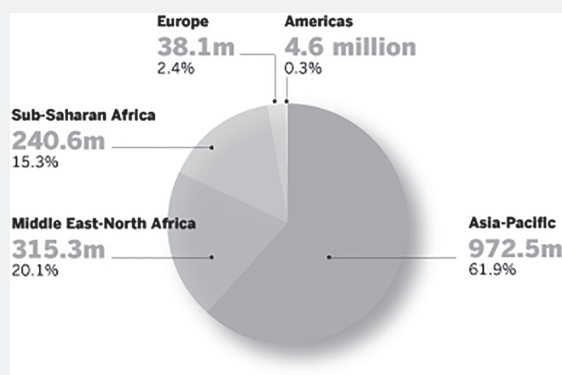
اکثریت مسلمانان ملتهای هندواروپایی حنفی هستند. مسلمانان آسیا- آفریقایی معمولاً حنفی نیستند. اکثریت مسلمانان آفریقای شرقی، هویی‌ها (قوم مسلمانان چینی) و مالایی‌ها شافعی هستند. اکثریت مسلمانان در آفریقای غربی تقریباً مالکی هستند (شامل ملل مراکشی و دیگر مکان‌هایی که فرهنگ مراکش شایع است). فرقه سلفی تنها در عربستان سعودی و چند کشور دیگر حوضه خلیج فارس حضور دارند (<http://fa.Shafaqna.com/news/239452>).

۴ نقشه شماره ۱: کشورهای شیعه‌نشین و گستره جغرافیایی - ژئوپولیتیک شیعیان در خاورمیانه



Source: <http://www.tabnak.ir/fa/news/708550>

نمودار شماره ۲: تعداد و درصد مسلمانان در مناطق مختلف در جهان



<http://fa.shafaqna.com/news/239452>

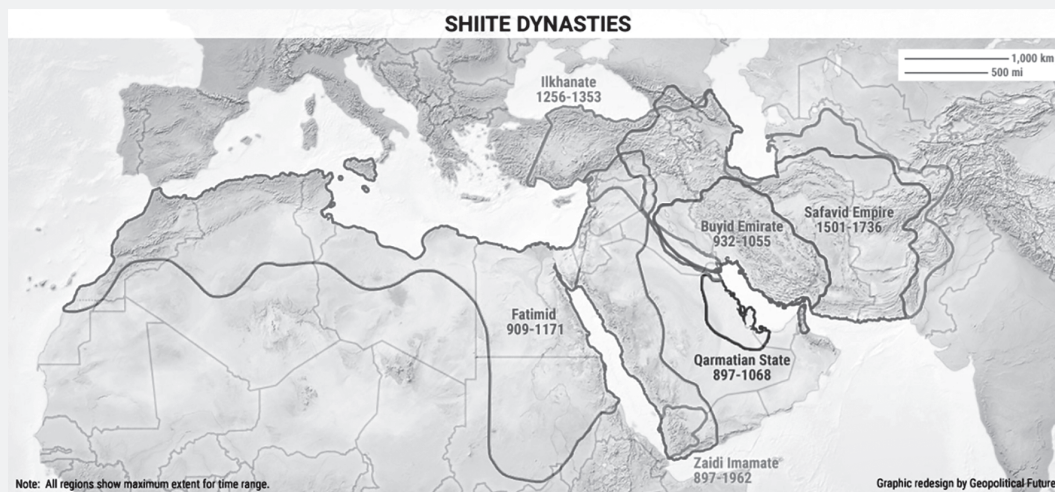
جدول ۲: شمار جمعیت و درصد شیعیان در کشورهای مسلمان در محدوده جغرافیایی خاورمیانه

| سال ۱۹۷۴ میلادی* | | درصد اهل تسنن در سال ۲۰۱۵ میلادی *** | درصد شیعیان در سال ۲۰۱۵ میلادی** | نام کشور |
|------------------|-----------------|---|--|---------------|
| جمعیت کل | جمعیت شیعیان | | | |
| ۶۱۰۰۰۰۰۰ | ۵۱۰۰۰۰۰۰ | ۹ | ۹۰ | ایران |
| ۲۰۰۰۰۰۰۰ | ۱۲۵۰۰۰۰۰ | ۲۵ | ۵۵-۶۰ | عراق |
| ۶۰۰۰۰۰ | ۳۵۰۰۰۰ | ۳۰ | ۷۰ | بحرین |
| ۳۰۰۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰۰ | ۲۳ | ۳۸ | لبنان |
| ۱۴۰۰۰۰۰۰ | ۳۵۰۰۰۰۰ | ۷۴ | ۱۶ | سوریه |
| ۲۲۰۰۰۰۰۰ | ۳۰۰۰۰۰۰ | ۸۱ | ۱۵ | امارات متحده |
| ۱۸۰۰۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰۰۰ | ۹۰ | ۱۰-۱۱ | عربستان سعودی |
| ۱۸۰۰۰۰۰۰ | ۳۰۰۰۰۰۰ | ۸۴ | ۱۵ | افغانستان |
| ۷۵۰۰۰۰۰ | ۵۵۰۰۰۰۰ | ۳۰ | ۷۰ | آذربایجان |
| ۱۳۵۰۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰۰۰ | ۷۰ | ۳۰ | یمن |
| ۲۱۰۰۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰۰۰ | ۶۵ | ۲۵ | کویت |
| ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ | ۳۰۰۰۰۰۰۰ | ۷۷ | ۲۰ | پاکستان |
| - | - | ۹۰ | ۲ | اردن |
| - | - | ۱۸-۲۵ | ۲۵ | عمان |
| - | - | ۹۰ | ۱ | مصر |
| ۶۲۰۰۰۰۰۰۰ | ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ | ۸۳-۹۳ | ۲۰ | ترکیه |
| ۵۵۰۰۰۰۰ | ۵۰۰۰ | - | ۲۵ | قطر |

منبع: * (توال، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۵)، ** (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۸۹)

*** <http://www.hawzah.net/fa/MagArt>[html?MagazineArticleID=40296&MagazineNumberID=4848](http://www.hawzah.net/fa/MagArt/html?MagazineArticleID=40296&MagazineNumberID=4848)

نقشه شماره ۲: قلمروهای جغرافیایی شیعیان در سلسله‌های مختلف در تاریخ



Note: All regions show maximum extent for time range.

Sources:

- Fatimid: Yemenuus - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Fatimid_IsLAMic_Caliphate.png enhanced by Nurin Merchant of the University of Guelph
- Ilkhanate: Arab Atlas, Arab League - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Ilkhanate_in_1256%E2%80%931353.PNG
- Buyid: Ro4444 - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Buyids_970.png based upon:
- Busse, Heribert (1975), "Iran Under the Buyids", in Frye, R. N., *The Cambridge History of Iran, Volume 4: From the Arab Invasion to the Saljuqs*, Cambridge, UK: Cambridge University Press. ISBN 0-521-20093-8
- Ter-Ghewondyan, Aram. *The Arab Emirates in Bagratid Armenia*. Trans. Nina G. Garsolian. Livraria Bertrand: Lisbon, 1976.
- Bianquis, Thierry (1998), "Autonomous Egypt from Ibn Tulun to Kafur, 868-969", in Petry, Carl F., *The Cambridge History of Egypt, Volume 1: Islamic Egypt, 640, 1517*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Norwich, John Julius (1997). *A Short History of Byzantium*. NYC: Viking.
- Bazin, Marcel. "Gilan". *Encyclopedia Iranica*.
- Madelung, Wilferd. "Minor Dynasties of Northern Iran." *The Cambridge History of Iran, Volume 4: The Period From the Arab Invasion to the Saljuqs*. Ed. R. N. Frye. New York, New York: Cambridge University Press, 1975. ISBN 0-521-20093-8
- Other sources
- Safavid: Arab Atlas, Arab_Hafez, Artin Mehraban and HistoryofIran - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:The_maximum_extent_of_the_Safavid_Empire_under_Shah_Abbas_I.png
- Qarmatian: Buserof666 - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Shattering_iscachamend.png based upon:
- Plate 82 from *Hand-Atlas für die Geschichte des Mittelalters und die neueren Zeit* by Spruner and Menke Index no. 0046:0082 The lands of Islam to the time of the Buyids, 945-1055. Southern Arabia. (Western continuation of the main map.) *The Ghaznavid Empire about 1002/3. The Eastern Roman Empire about 1002/3.* - Die Länder des Islam zur Zeit der Buyiden 945-1055. Südliches Arabien.
- Plate 77 from Professor G. Droysens *Allgemeiner Historischer Handatlas* by R. Andree Index no. 0008:0077. The Caliphate, to 945 - Reich der Kalifen bis 945
- Zaidi: Don-kun - https://commons.wikimedia.org/wiki/File:North_Yemen_in_its_region.svg

Source: <http://www.tabnak.ir/fa/news/708550>

۲-۲. وضعیت شیعیان در بحرین

جمعیت بحرین طبق آمار سال ۲۰۱۸ میلادی ۱،۶۰۴۶،۸۱۴ نفر است (<https://fa.wikipedia.org>) که ۸۳ درصد از کل این جمعیت، شهرنشین و ۱۷ درصد روستایی می‌باشند. بیش از ۸۱ درصد جمعیت آن مسلمان هستند (حدود ۷۰٪ شیعه مذهب و بقیه مالکی مذهب)، ۹٪ مسیحی (اتباع و مهاجران) و ۹،۸٪ پیرو دیگر ادیان (بیشتر هندو) هستند. یک گروه کوچک بومی یهودی هم در این کشور زندگی می‌کنند (<http://www.hajij.com>). بحرین به لحاظ درصدی در رتبه سوم کشورهای شیعه‌نشین محسوب می‌شود همچنین در شرایطی که حدوداً جمعیت شیعیان آن ۵۲۰/۰۰۰ نفر می‌باشند (<http://intjz.net/maqalat/sh-bahrein.htm>) در رابطه با تاریخچه چگونگی شکل‌گیری اعتراضات در بحرین باید گفت که اواخر سال ۱۹۹۴ میلادی، ناآرامی‌ها و درگیری‌های گسترده‌ای در روستاهای شیعه‌نشین سینابیس، جید حفص، جفیر و... در خارج از پایتخت این کشور شروع شد.

تبعیض گسترده علیه شیعیان، بی توجهی به حقوق سیاسی و اجتماعی مردم، فساد سیاسی آشکار بین خانواده حاکم و نزدیکان آنها، تشکیلات امنیتی گسترده سرکوبگر، متشکل از عناصر بیگانه و اقتصاد را کد را از عوامل اساسی این درگیری‌ها می‌توان دید که شیعیان نیز معترضین اصلی به‌شمار می‌آمدند. سال‌ها بعد دور جدیدی از خشونت‌ها، از جمله آتش‌زدن لاستیک ماشین، تیراندازی به پلیس، منفجر کردن کپسول‌های گاز به جای بمب، پرتاب سنگ به پلیس و در مقابل، سرکوب مردم از سوی پلیس شروع شد. در اوایل مارس سال ۱۹۹۷ میلادی با حمله به یک رستوران و کشتن پنج نفر از کارگران بنگالی، خشونت‌ها به اوج خود رسید. نیروهای امنیتی که اکثر آنها افسران اردنی، عرب و پاکستانی بودند، روستاها را محاصره کردند و به منازل فعالان سیاسی معروف هجوم بردند. آنها هزاران بحرینی شیعه را دستگیر، زندانی و شکنجه کردند.

منازعه بین سران حکومت و منتقدین شیعه پس از آرامش نسبی کوتاه مدت، دوباره در سال ۲۰۰۴ میلادی بالا گرفت. اولین درگیری عمومی نیز در ۲۱ می سال ۲۰۰۴ رخ داد. حدود ۴ هزار نفر از شیعیان در اعتراض به محاصره نجف و کربلا از سوی نیروهای آمریکایی، در حوالی مجتمع تجاری دانا، تظاهرات کردند. پلیس با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان واکنش نشان داد و بسیاری از آنها را مجروح و زخمی کرد. در آن حادثه، جواد فیروز عضو یکی از شوراهای بحرین و از شخصیت‌های عضو سازمان سیاسی الوقاق (یکی از سازمان‌های سیاسی شیعه مخالف حکومت) و همچنین روحانی مشهور و برجسته شیعی، شیخ عیسی قاسم، به شدت مجروح شدند. مجموع رفتارهای دولت آل‌خلیفه سبب شد که فعالان شیعی روز ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ را به نام «روز خشم» اعلام کنند و از مردم بخواهند در این روز به رفتار آل‌خلیفه اعتراض کنند. دولت آل‌خلیفه با مردم برخورد کرد و از آن موقع به بعد موج گسترده‌ای از اقدامات آل‌خلیفه علیه شیعیان اعم از بازداشت زنان و مردان و کودکان و شکنجه آنان، تخریب مساجد و قبرستان‌های شیعیان و... در دستور کار دولت آل‌خلیفه قرار گرفت. از جمله مواردی که در رابطه با تبعیض شیعیان در کشور بحرین می‌توان نام برد عبارتند از:

- شیعیان از نظر محل سکونت نیز مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. درحالی‌که اکثر شیعیان در روستاهای فقیر اطراف منامه زندگی می‌کنند، حق سکونت در منطقه مسکونی وسیعی به نام رفاع را ندارند. غرب رفاع از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به خانواده حاکم اختصاص یافته است و در بخش

شرقی آن نیز فقط سنی‌ها می‌توانند سکونت داشته باشند. شیعیان نه حق سکونت در این منطقه را دارند نه می‌توانند زمینی را مالک شوند. دولت برای اجرای این سیاست، تمام درخواست‌های خرید زمین در این منطقه را بررسی و اسامی خریداران شیعه را حذف می‌کند.

● عدم امکان حضور موثر شیعیان در عرصه ساختار حکومتی: آل‌خلیفه سیاست حذف شیعیان را از تشکیلات اداری و قضایی بحرین دنبال می‌کند. میزان اشتغال شیعیان در برخی از بخش‌های دولتی به کمتر از ۱٪ و تعداد کل قضات شیعی به ۷ نفر کاهش یافته است. مشکلات ناشی از بیکاری، وضعیت شیعیان را به شدت تحت تاثیر قرار داده که بهترین نمونه آن استخدام رو به کاهش و دستمزدهای اندک می‌باشد. از بین ۸۴ هزار شغل ایجاد شده در بخش خصوصی در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲، دستمزد ۶۷ هزار شغل کاهش یافته و به کمتر از ۲۰۰ دینار بحرینی، یعنی حدود ۵۳۰ دلار آمریکا رسیده است. بیش از ۸۰ درصد از این مشاغل نیز بکارگران خارجی واگذار شده است. حدود ۵۳ درصد از کارگران بحرینی ماهانه کمتر از ۲۰۰ دینار درآمد دارند؛ که طبق آمار وزارت کار این کمترین میزان برای اداره یک خانواده دو نفره در بحرین است. بیش از نصف جمعیت بحرین را خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که سرپرست آنان از بیکاران یا از کسانی است که شغل‌های جزئی دارند یا دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۳۷).

● عدم تمایل حکومت به شنیدن اعتراضات شیعی یا مذاکره با ایشان.

● تبعیض علیه شیعیان: عمده بیکاران و فقرای بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند. این تبعیضات تا بدان جا کشیده شده که حکومت در قراردادهای بزرگ با شرکت‌های خارجی، با آنها شرط کرده است کارگر و راننده شیعه استخدام نکنند. براساس همین سیاست حکومت آل‌خلیفه با کاستن از تعداد کادر پزشکی شیعه در مراکز بهداشتی و درمانی به دنبال استفاده از کادر پزشکی اردنی به جای شیعیان است.

● تعداد زیاد زندانیان سیاسی شیعه؛ رهبران شیعی معتقدند در طول سال‌های گذشته هزاران نفر از شیعیان در زندان‌های آل‌خلیفه بوده‌اند و برخی از آنها نیز در زندان‌ها به شهادت رسیدند.

● رویکرد یک جانبه حکومت در مورد تحصیلات دانشگاهی؛ بسیاری از شیعیان که جزو ده درصد برتر کلاسشان هستند به دانشگاه راه نمی‌یابند در حالی که سنی‌ها با صلاحیت کمتر وارد دانشگاه می‌شوند. برخی از دانشجویان شیعه که به تحصیل مشغول بودند از ادامه تحصیل محروم

شده‌اند و گروهی از آنان زندانی هستند. در میان زندانیان، دانش آموزان نیز هستند. پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، بیش از یکصد دانش‌آموز در زندان بودند که کوچکترین آنها سلمان مهدی سلمان، ۱۳ سال سن دارد.

● وجود دادگاه‌های امنیتی ویژه شیعیان؛ این دادگاه‌ها براساس متمم قانون کیفری تاسیس شده‌اند و قوه قضائیه را نمی‌توان مستقل قلمداد کرد. به گفته یک حقوقدان سنی بحرینی، در حال حاضر تقریباً ۲۰۰۰ شیعه بحرینی بدون هر گونه محاکمه‌ای در حبس به سر می‌برند.

● آزار و اذیت شیعیان؛ پلیس به صورتی اهانت‌آمیز، گستاخانه و با خشونت‌های فیزیکی با شیعیان رفتار می‌کند. آنان مرتب به خانه‌های شیعیان حمله کرده، آنها را زیرورو می‌کنند، سکنه آنها را کتک می‌زنند و به تمسخر می‌گیرند؛ به زنان شیعه اهانت می‌کنند و در مجموع وضعیتی آکنده از ناامنی، ترس و خشونت برای شیعیان پدید می‌آورند. حکومت آل خلیفه از اتباع کشورهای دیگر نیز برای مقابله با شیعیان استفاده می‌کند. آل خلیفه از سودان درخواست نیرو برای مقابله با شیعیان کرده است. همچنین از آوارگان سوری نیز خواسته است در مقابل دریافت تابعیت بحرینی به عضویت پلیس این کشور در بیایند. نیروهایی از پاکستان نیز در خدمت آل خلیفه هستند (<http://fa.alkawthartv.com/news/80808>).

نتیجه‌گیری

قابل ذکر است که محدوده ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیکی خاورمیانه و به‌طور ویژه منطقه خلیج‌فارس، همواره در کانون توجهات سیاسی-اقتصادی قرار دارد. وجود تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی در خاورمیانه باعث وجود چالش‌های اساسی میان کشورهای منطقه شده است. با وجود اینکه تمام کشورهای این محدوده جغرافیایی مسلمانند (به جز اسرائیل)؛ ولی دارای روابط مناسبی نیستند. در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مذهب شیعه به‌عنوان یک عامل پیوند دهنده می‌تواند به فرصتی جهت تحولات برای پیروان آن در آید. وضعیت و موقعیت شیعیان همان‌گونه که بنابر یافته‌های تحقیق ارائه شد، یک عامل ژئوپولیتیکی در منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه است. وقتی که ژان پی‌یرشه و نمان وزیر اسبق دفاع فرانسه در دهه ۱۹۸۰ میلادی عنوان می‌کند مسئله شیعه آینده عراق است. بعد از سقوط دیکتاتوری صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی به قدرت رسیدن

شیعیان را در این کشور شاهد هستیم. ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور شیعه مذهب در خاورمیانه و خلیج فارس و به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش آن محرز است. در عربستان سعودی سکونت شیعیان در شرق این کشور و حضور چشمگیر محل و موقعیت سکونت آنها در مناطق نفت‌خیز این کشور، به‌عنوان یک عامل ژئوپولیتیکی و فرصت مطرح است. همان‌گونه که توال نیز معتقد است تشیع در خلیج فارس به لحاظ جغرافیای مذهبی غلبه دارد؛ از آنجا که جغرافیا به‌عنوان عامل اصلی و زیربنای ژئوپولیتیک در مباحث همگرایی و پیوند مطرح است؛ بنابراین شیعیان در خاورمیانه با توجه به گستره جغرافیایی - ژئوپولیتیکی که دارند به‌عنوان یک فرصت مطرح‌اند. در کشوری مانند بحرین هویت دوگانه قومی - مذهبی (عرب - شیعه و سنی) شکل گرفته است. همچنین جوامعی که عموماً هویت چندبعدی دارند و بسته به هر کدام از این ابعاد که مورد محاسبه قرار گیرد، رابطه اکثریتی و یا اقلیتی با دیگر افراد جامعه پیدا می‌کنند. در اینگونه موارد، تاکید قدرت سیاسی بر هر یک از این ابعاد هویتی، موقعیت اقلیتی یا اکثریتی افراد تعیین می‌شوند که احتمالاً با تغییر دیدگاه و نگرش قدرت و تکیه بر بعد دیگر هویت، آن موقعیت دستخوش تغییر و دگرگونی می‌گردد (عزیزی، ۱۳۹۴: ۷۲).

در بحرین مذهب حاکمان، سنی است که متفاوت از مذهب اکثریت مردم این کشور یعنی شیعه است. نکته مهم این است که میان اقلیت سنی حاکم بر بحرین و اکثریت شیعی تهیدست که اعتراض‌ها را راه انداخته‌اند، شکاف بزرگی دیده می‌شود. به گفته لارنس پینتک از دانشگاه دولتی واشنگتن، در مصر یک اکثریت کمابیش همگون سنی را می‌بینید؛ در حالی که در بحرین اکثریت شیعی را می‌بینیم که زیر ستم هستند و اقلیت سنی همه پول و قدرت را در دست دارند. این یک ملغمه بسیار ناپایدار است. توبی جونز استادیار تاریخ در دانشگاه راتگرز که سال‌ها در بحرین زندگی کرده، دامنه شکاف اقتصادی میان اهل سنت حاکم و اکثریت شیعی را تکان دهنده می‌داند. از دیدگاه‌وی، بحرین کشوری بسیار فقیر است و ثروت موجود در آن در دستان حاکمان و گروه‌های بانفوذ جای گرفته است. وی هرگز فقر فلاکت‌بار مانند آنچه در بحرین است را ندیده است. وی در دیداری که در سال ۲۰۰۳ میلادی همراه با فعالان در زمینه حقوق بشر از یک روستای شیعه‌نشین داشته یاد می‌کند که طی آن مردی را دیده که در یک کپر گلی با گاوش زندگی می‌کرده است و ناگزیر بوده که با چکمه لاستیکی، اینجا و آنجا برود و کف کپر پر از فضولات گاو بوده است.

جونز یادآور می‌شود که اعتراض‌ها در بحرین، رسیدن به نظام سیاسی خوب را به جای شعله‌ور ساختن یک انقلاب هدف قرار داده است؛ معترضان خواهان یک دولت شیعی نیستند بلکه کشوری دموکراتیک می‌خواهند که هر کس بتواند در گرداندن آن مشارکت داشته باشد. ۳۰ درصد جمعیت بحرین را سنی‌ها، کارگران خارجی و کارکنان پایگاه دریایی آمریکا تشکیل می‌دهند. بحرین بر پایه برآورد سازمان سیا در سال ۲۰۱۰ میلادی درآمد سرانه ۴۰۴۰۰ دلار را داشته است که در دست اقلیت سنی‌ها بوده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱).

احساس تبعیض، بی‌عدالتی و محرومیت اکثریت شیعی بحرین، به عدم مشارکت واقعی در قدرت سیاسی از طریق انتخابات محدود نمی‌شود؛ بلکه این گروه در عرصه‌های مختلف اداری، اجرایی، اقتصادی و اجتماعی نیز با سیاست‌های تبعیض‌آمیز آل خلیفه مواجه‌اند و این امر تداوم نارضایتی و اعتراضات شیعیان بحرین را در پی داشته است. براساس گزارش سال ۲۰۰۳ میلادی مرکز حقوق بشر بحرین، از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد و از ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیرکل فقط ۱۰ منصب یعنی ۲۱ درصد به شیعیان تعلق داشته است. شیعیان در این نظام به هیچ عنوان نمی‌توانند عهده‌دار مناصب عالی حکومتی مانند وزارت دفاع، خارجه، دادگستری و کشور شوند (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). به گزارش روزنامه «گاردین» در لندن «لیام فاکس» وزیر دفاع انگلیس در کنفرانس حزب محافظه‌کار این کشور در سیزدهم مهرماه با اشاره به اختلافات و چالش‌های مذهبی در خاورمیانه، پیش‌بینی کرد که اعتراضات شیعیان در بحرین و اقدام دولت این کشور در سرکوب آنها، خاورمیانه را به یک نقطه انفجار خطرناک خواهد رساند. لیام فاکس با ابراز نگرانی از وضعیت چالش‌های مذهبی در منطقه حساس خاورمیانه چنین اظهار داشت که اختلافات مذهبی در بحرین بدین معنی است که این کشور در معرض خطر تبدیل شدن به «برلین خاورمیانه» قرار دارد. به گفته وی سرکوب اکثریت شیعیان در بحرین از سوی دولت برآمده از اقلیت سنی مذهب خاندان آل خلیفه، بحرین را در مسیر تبدیل شدن به یک نقطه انفجار بالقوه در بهار عربی قرار داده است. اصطلاح برلین خاورمیانه با یادآوری فضای جنگ سرد در اروپا، گسست‌های مذهبی بین اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه شیعیان و سنی‌های خاورمیانه را عامل ایجاد جنگ سرد خاورمیانه‌ای قلمداد می‌کند. در طول جنگ سرد شهر برلین با تقسیم به دو بخش شرقی و غربی به کانون برخورد احتمالی بلوک شرق و غرب تبدیل شده و نمادی

از اختلافات ایدئولوژیک دو ابرقدرت و اهداف و منافع متضاد بلوک‌های قدرت در اروپا محسوب می‌شد (<http://www.irna.ir/fa/News/2000097965>).

به هر روی، با توجه به اینکه از نظر زمانی و تاریخی در کشور بحرین، شیعیان از نظر اجتماعی در اقلیت بوده‌اند، در روند جهانی شدن و هویت‌خواهی جدید از سوی پیروان این مذهب، چالش‌هایی در سطح ملی در این کشور برای پیروان شیعه با حاکمان این کشور ایجاد شده است. همان‌گونه که مصداق‌های متعددی در ارتباط با چالش مذهب در بحرین آورده شد، مشاهده گردید که شیعیان در این کشور با توجه به اینکه از سال ۲۰۱۱ به‌طور جدی به‌دنبال جایگاه اصلی و رفتار عادلانه از سوی حکومت هستند؛ ولی تاکنون نتوانسته‌اند به این مهم دست یابند و همچنان از سوی حکومت مرکزی با سرکوب و بعضاً با قوه قهریه و نظامی روبرو می‌شوند. یکی از مفاهیم مطرح شده از دیدگاه اقلیت‌گرایی مذهبی، این بود که: اقلیت‌گرایی مذهبی یک حرکت سیاسی به معنای عام است؛ چنان که نسبتی با قدرت دارد و به صورت سلبی یا ایجابی با آن مرتبط می‌شود. در ضمن این ارتباط فقط در حوزه سیاسی تعریف نشده است و می‌تواند نمودهای فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و... داشته باشد. لاجرم در کشور بحرین با توجه به ماهیت اعتراضات مردمی و نوع برخورد حکومت با آنها، نشان می‌دهد که پیروان مذهب شیعه به دلیل اینکه از سطوح اجتماعی درون کشور دور نگه داشته شده‌اند؛ در طی گذشت زمان، عدم توجه به شیعیان و نگاه اقلیت‌گرایی به آنها در زمینه دستیابی به سطوح مدیریتی، باعث شده تا شیعیان در بحرین برای برون رفت از وضع موجود، به اعتراض بپردازند.

گفته شد که برای مطالعه همگرایی با دو پرسش بنیادی روبرو هستیم: اول اینکه چرا اتباع یا شهروندان برای واحد سیاسی که در آن زندگی می‌کنند، حرمت و تقدس قایلند یا (قایل نمی‌باشند)؟ که در جواب این پرسش با توجه به شکل‌گیری اعتراضات و تظاهرات در یک کشور مانند بحرین، این حرمت و تقدس به دلیل تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، نمی‌تواند نمود داشته باشد و سوال دوم اینکه در درون نظام‌های سیاسی چگونه اجماع شکلی و ماهوی حاصل شده و تداوم می‌یابد؟ که باز هم با توجه به هویت دوگانه موجود در کشورهایمانند بحرین و تفکرات مستبدانه سران حکومتی، شکل‌گیری اجماع شکلی و ماهوی حاصل نمی‌شود. به‌علاوه دو نظریه درباره همگرایی یا یکپارچگی سیاسی، مطرح شد: اول، به خاطر وجود ارزش‌هایی مشترک و فراگیر در میان اعضای خود و به

خاطر وجود توافقی عمومی درباره چارچوب نظام مربوطه است که نظام‌های سیاسی به انسجام و همبستگی دست یافته و آن را حفظ می‌کنند؛ که ارزش‌های مشترک و فراگیر در بعد ملی در کشور بحرین، دستخوش هویت دوگانه مذهبی شیعه و سنی قرار گرفته است و شکل‌گیری انسجام و اتحاد ملی در حال حاضر با توجه به وضعیت موجود، امکان‌پذیر نیست هرچند این نظام‌ها بر مبنای اجماع شکلی (یا توافق عمومی درباره راه‌حل‌های مسایل موجود در نظام سیاسی) استوارند. نظریه دوم، چنین استدلال شده است که به خاطر کاربرد یا تهدید به کاربرد زور است که نظام‌های سیاسی به انسجام دست یافته یا آن را حفظ می‌کنند. از آنجا که کشور تازه استقلال یافته بحرین از دیدگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مورد حمایت حکومت کشورهایمانند آمریکا در بعد فرمانطقه‌ایی و عربستان سعودی در بعد منطقه‌ایی است، کاربرد زور و یا تهدید بکاربرد آن، در این کشور برای انسجام میان شیعیان و سنی‌ها به‌عنوان یک امتیاز تأثیری ندارد؛ زیرا که حکومت وهایی آل سعود به‌طور یکجانبه از اهل تسنن این کشور حمایت می‌کند و آمریکا هم با توجه منافع ملی خودش به ساختار حاکم بر این کشور، پشتیبانی می‌کند. شیعیان در کشورهای بحرین و عربستان سعودی (به‌طور ویژه) با چالش‌هایی روبرو هستند که این مسئله در سال‌های اخیر در چارچوب چالش مذهبی با توجه به هویت‌خواهی و روند اقلیت‌گرایی مذهبی که در این کشورها وجود داشته است به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی مطرح شده است که باعث برهم خوردن نظم عمومی و مطالبه‌خواهی برای سطوح اجتماعی مختلف از سوی شیعیان شده است.

فهرست منابع:

۱. آدمی، علی (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲.
۲. امینی‌زاده، سینا و بوستانی، داریوش (۱۳۹۵)، «همگرایی و واگرایی ملی، مذهبی و جهانی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)». فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳.
۳. بدیعی‌ازندهای، مرجان و قالیباف، محمدباقر و پورموسوی، سیدموسی و پوپنده، محمدهادی (۱۳۹۳)، «تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت در مقیاس ملی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۳.
۴. برادن، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دافوس، چاپ اول.
۵. توال، فرانسوا (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوق‌ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۶. جهانی، محمد (۱۳۹۲)، «تاثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر نقش سلفیت)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم.
۷. حمیدی، محمدمحسن (۱۳۹۰)، «ناآرامی‌ها در بحرین، درخواست اصلاحات یا انقلاب»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست‌وپنجم.
۸. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۹۹۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات قومس، جلد اول و دوم، چاپ اول.
۹. دلمی‌معزی، امین و شجاع، مرتضی (۱۳۸۷)، «آمریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست‌ودوم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت.
۱۰. عزیزی، ستار (۱۳۹۴)، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
۱۱. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، سال ششم، شماره دوم.
۱۲. قاسمی، صفت‌الله (۱۳۸۵)، «وضعیت شیعیان در بحرین»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۸.
۱۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول.
۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ بیست‌ویکم.
۱۵. کلاوال، پل (۱۳۹۴)، جغرافیای قرن بیست‌ویکم، ترجمه حسن صدوق‌ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۱۶. کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۹۶)، ایران و جمهوری‌های قفقاز جنوبی، تهران: انتشارات موسسه ایراس، چاپ اول.

۱۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۱۸. مهکویی، حجت (۱۳۹۱)، «تبیین نقش مذهب از منظر ژئوپلیتیک در خاورمیانه مطالعه موردی مذهب شیعه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره دوم.
۱۹. ویسی، هادی (۱۳۹۷)، «واکاوی چالشهای ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵.
۲۰. نونزاد، مسعود (۱۳۸۳)، «جهانی شدن: مفاهیم، ابزارها، پیامدها، دیدگاهها»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۷-۲۰۸.
۲۱. هدایتی شهیدانی، مهدی و صفری، عسگر (۱۳۹۶)، «نقش عربستان سعودی در تصاعد زمینه‌های خشونت‌آمیز هویت اسلامی: مطالعه موردی آسیای مرکزی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۲.
22. Cia factbook.com.
23. <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html>.
24. <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineArticleID=40296&MagazineNumberID=4848>.
25. <http://intjz.net/maqalat/sh-bahrein.htm>.
26. <http://fa.alkawthartv.com/news/80808>.
27. <http://www.irna.ir>.
28. Muzaffarli, (2008) Central Asia and the Caucasus, Journal of social and political studies; Guam : from a Taetial Alliance To Strategic Partnership, NazimMuzaffarli, 3-4 (51-52).
29. www.persiangulf.com.
30. <http://www.tabnak.ir>.
31. <http://fa.shafaqna.com/news/239452>.
32. <http://www.hajij.com>.